

تحلیلی درباره مواضع  
مکرون در قبال اسرائیل

موضع اخیر مکرون درباره توقف ارسال تسلیحات از فرانسه به رژیم صهیونیستی که بلافاصله از ترس فشار لابی صهیونیست‌ها قدری تعدیل شد، با هدف بهره‌برداری‌های داخلی برای امانت‌ل مکررون و توازن مواضع دولت فرانسه بین یهودیان و مسلمانان داخل این کشور و نیز مسیحیان لبنان است. فرانسوی‌ها خود را حامی مسیحیان جهان می‌دانند و عموماً در قبال تحولات مرتبط با آنها موضع‌گیری می‌کنند. بعد از جنگ‌های صلیبی، فرانسه این مسئولیت را برای خود در نظر گرفته است که این حمایت را از مسیحیان داشته باشد. از طرفی، در گذشته، لبنان جزو مستعمرات فرانسه بوده است و هنوز هم فرانسوی‌های زیادی در این کشور زندگی می‌کنند. به علاوه، در حال حاضر یک اقلیت مسیحی در لبنان زندگی می‌کند که تنها تهنه برای فرانسه بلکه برای کل مسیحیان دنیا مهم هستند. فرانسه همواره سیاست حمایت از مسیحیان در لبنان را داشته است.

در جنگ میان رژیم اسرائیل و لبنان، دولت فرانسه پیشنهاد آتش‌بس ۲۱ روزه را مطرح کرد و حتی کشورهای اروپایی و آمریکا از این پیشنهاد حمایت کردند، اما رژیم اسرائیل آن را نپذیرفت که به لحاظ داخلی برای فرانسه شکست و سرخوردگی به همراه داشت. قبل از حملات رژیم اسرائیل به لبنان، مکررون بارها خواستار جلوگیری از این حملات شد، اما نتایهاو به این درخواست توجهی نکرد که البته این موضوع به لحاظ داخلی برای مکررون نوعی شکست بود، از این رو اخیراً او وادار به نشان دادن واکنش شد و گفت که در ارسال تسلیحات نظامی به فلسطین اشغالی تجدیدنظر می‌کند. چندان نمی‌توان نسبت به اجرایی شدن این ادعای مکررون امیدوار بود. در فرانسه چند میلیون یهودی و بیش از ۶ میلیون مسلمان زندگی می‌کنند که حزب مکررون به رای هر دوی آنها برای انتخابات و ماندگاری در قدرت نیاز دارد. از این رو، امروز مکررون بر سر یک دوراهی عجیب قرار گرفته است و باید دید چگونه این تناقض و منافع مشترک در بین مسلمانان و یهودیان را می‌تواند حل و فصل کند. شاهد بودیم که وزیر خارجه فرانسه در سالگرد ۷ اکتبر به محل حادثه در سرزمین‌های اشغالی رفت. بنابراین، فرانسه در شرایطی نیست که بتواند رژیم اسرائیل را نادیده بگیرد یا سیاستش را تغییر دهد، اما از طرفی با موضوع مسیحیان لبنان و مسلمانان در فرانسه نیز مواجه است. به طور کلی باید گفت که مواضع اخیر فرانسه به خاطر فشارهای داخلی است و بعید است اجرایی شود. سوال این است که آیا ممکن است به خاطر تشدید حملات افسارگسیخته رژیم اسرائیل به کشورهای منطقه از جمله لبنان و سوریه، دولت‌های دیگر اروپایی نیز فرانسه را همراهی کنند؟ شاهد بودیم که بعد از موضع‌گیری مکررون، مقامات انگلیس و آلمان صریحاً اعلام کردند که به ارسال کمک‌های نظامی خود به رژیم اسرائیل ادامه می‌دهند و به‌نحوی فرانسه را تنها گذاشتند. فرانسه نمی‌تواند نفوذ و قدرت لابی‌گری رژیم اسرائیل را نادیده بگیرد و به یکباره از مواضع قبلی خود برگردد. این یک پارال درهم‌تنیده است. این موضع مکررون بیشتر از سر استیصال و تضعیف جایگاهش در افکار عمومی بود که تهدیداتش نسبت به ممانعت از حمله رژیم صهیونیستی به لبنان فایده نداشت. از این رو ناچار بود مواضعی در این راستا اتخاذ کند. به هر حال، فرانسه در بسیاری از کشورهای اسلامی در منطقه سرمایه‌گذاری کرده است و از سوی افکار عمومی این کشورها نیز تا حدودی برای مقابله با تجاوزات رژیم اسرائیل در غزه و لبنان تحت فشار است.



مجید محمدشریفی

استادیار گروه روابط بین‌الملل  
دانشگاه خوارزمی

دیری است منازعه‌ای که ریشه در اختلافات عمیق ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل دارد از پس پرده بیرون آمده و دو طرف را در یک رویارویی بی‌واسطه قرار داده است. حملات هوایی گسترده و پرشتاب اسرائیل به لبنان در کنار هجوم زمینی به جنوب بیروت و مهم‌تر از آن انتظار اینکه اسرائیل چگونه به حمله موشکی اخیر ایران پاسخ نشان خواهد داد، تشدید تنش‌ها در خاورمیانه و امکان سربرآوردن جنگی بزرگ را در افق دید ناظران پدیدار کرده است. با ژرفایی که بحران در هفته‌های اخیر پیدا کرده است، بسیاری از تحلیل‌گران، در پی فهم این پرسش هستند که ماهیت و اندازه حمله اسرائیل به ایران چیست و در پی این حمله احتمالی، ایران چه اقدامی انجام خواهد داد و این زنجیره کنش و واکنش، مسیر تحولات در خاورمیانه را به چه سمت و سویی هدایت خواهد کرد؟ پرسشی مهم که کوشش برای فهم دقیق آن، نیازمند جست‌وجویی از روی تحقیق است و نه غرض و تخمین، چراکه پاسخ به این پرسش می‌تواند ماهیت تحولات آتی و سرنوشت منطقه را تعیین کند.

اکنون بر همگان از تحلیل‌گر تا سیاستمدار فرض است که واقعیت‌ها را با وضوح بیشتری دیده و حقیقت را با صراحت بیشتری بیان کنند. در این برهه سرنوشت‌ساز، درک سرشت حقیقی تحولات از نظرگاهی واقع‌بینانه و به دور از هیجانات خیال‌اندیشانه، رسالتی است که هر تحلیل‌گر و سیاستمداری در ایران باید بدان توجهی تمام داشته باشد. لغزش در تحلیل و بنیان‌نهادن ارزیابی‌ها بر شواهدی لرزان و شنیده‌هایی نادقیق و یا پیروی از اندیشه‌های خیال‌اندیشانه (Wishful thinking) به جای «اشتیاق به درک امر واقع»، می‌تواند به فرجامی ناپسند و سرنوشتی ناگوار منتهی شود. این‌بار سخن نه از منافع حزبی و جناحی بلکه تمامیت ارضی و سرنوشت ملت ایران است و به همین سبب در هر تحلیلی باید به دور از هیجانات احتمالی تنها بر ماهیت حقیقی تحولات تمرکز شود. نظر به پیچیدگی‌های بی‌سابقه منطقه و در نظر داشت بنیان شکننده سامان سیاسی خاورمیانه، جُبِن بی‌موقع و تهور ناپاجا در تحلیل و اقدام، فرصت زرین برای جلوگیری از وقوع جنگی ناخواسته و ویرانگر را فووت خواهد کرد. شوربختانه نگاهی به اظهارنظرها در رسانه‌های مختلف در روزهای اخیر گویای آن است که برخی از این نظرگاه‌ها دارای تعارض‌هایی آشکار و برخی دیگر نیز فاقد مبانی روشنی هستند، مهم‌تر اینکه بسیاری از تحلیل‌های عرضه‌شده پیراسته به غرض‌ورزی‌های سیاسی و جناحی و لاجرم ناظر بر موضع‌گیری در پیکار برای قدرت است که بی‌تردید جایی در اندیشه راستین ندارند. در زمانی که به نظر می‌رسد مقدمات یک تحول بزرگ در منطقه فراهم آمده است، برای تدوین یک استراتژی منطقی با هدف پاس‌داشت کین ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند واقع‌بینی در تحلیل و عقلائیت در عمل هستیم. با درک چنین ضرورتی این مقاله می‌کوشد با برکنشیدن تحولات اخیر از توصیف صرف و میل به استخراج مبنای استراتژیک پنهان در رفتار کنشگران دخیل، تصویری روشن‌تر از احتمالات آینده منطقه خاورمیانه ترسیم کند. برای نیل بدین مقصود در بخش‌های بعدی با تاملی بر نظرگاه‌های موجود در جنبه آمریکا-اسرائیل، رویکردهای آنان درباره مسیر تحولات و سناریوهای پیش‌رو خاورمیانه را دست‌نبدی خواهیم کرد. در ابتدا همپوشانی‌ها و تعارض‌های احتمالی رویکرد آمریکا و اسرائیل بر سر موضوع لبنان و به‌طور خاص حزب‌الله را بررسی و در ادامه نگاه این دو به سناریوهای آینده خاورمیانه را محل بحث قرار خواهیم داد.

## رویکرد آمریکا و اسرائیل به آینده حزب‌الله و لبنان

با تأمل در ماهیت اقدامات اخیر اسرائیل در غزه و لبنان و همچنین تعمق در اظهارات مقامات این رژیم در پس طوفان الاقصی می‌توان چنین دریافت که کابینه‌افراطی بنیامین نتانیاهاو به پشتوانه حمایت بی‌دریغ آمریکا بر آن است تا از فرصت موجود برای پیشبرد استراتژی کلان خود در منطقه بهره‌برداری کند. نتانیاهاو طوفان الاقصی را توجیهی اخلاقی برای انجام حملات گسترده و ویرانگر به غزه و لبنان تفسیر می‌کند. وی بر آن است که اکنون که به سبب حضور نیروهای آمریکایی و همراهی کشورهای اروپایی و منطقه، امکان بازدارندگی در برابر تهدیدات به‌ویژه از جانب جمهوری اسلامی ایران فراهم شده است، رژیم صهیونیستی می‌تواند با خیالی آسوده‌تر و سهولتی بیشتر و با حمله به غزه و لبنان، توان نظامی حماس و حزب‌الله را تضعیف و این دو گروه اسلامی را به نیروهایی کم‌خطر تبدیل کند. یک سال حمله تمام‌عیار و ویرانگر به غزه و ترور بسیاری از فرماندهان نظامی و سیاسی حماس این تصور را در بین رهبران اسرائیل ایجاد کرده که دیگر خطری از جانب غزه، موجودیت اسرائیل را تهدید نمی‌کند و اکنون ارتش این رژیم می‌تواند بر جنبه شمالی و رویارویی با حزب‌الله متمرکز شود. تا پیش از حمله لبنان و تجاوز زمینی به جنوب این کشور، رهبران رژیم صهیونیستی از اندازه و گستره واکنش حزب‌الله به جنایت این رژیم در غزه چنین دریافته بودند که حزب‌الله خطر ورود به یک جنگ بزرگ را نمی‌پذیرد و بر آن است تا از منازعه‌ای تمام‌عیار اجتناب کند.

رژیم صهیونیستی از یک سو به سبب چنین ادراکی از

## حملات اسرائیل به لبنان و سناریوهای

## توافق برای آتش‌بس

حادث‌شدن رخ‌دادی به مانند طوفان الاقصی، توجیهی برای حمله گسترده به لبنان در اختیار نداشت.

به نظر می‌رسد رهبران رژیم صهیونیستی با فراگیری درس‌های حاصل از شکست سال ۲۰۰۶ بر آن شدند تا استراتژی خود را برای رویارویی با حزب‌الله تغییر دهند. این رژیم با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید اطلاعاتی ضمن شناسایی رهبران حزب‌الله و پایگاه‌های نظامی این گروه در لبنان در تحوولی مهم با ترور سریع فرماندهان و حمله به زیرساخت‌های نظامی، امکان حمله زمینی را فراهم کرد. به نظر می‌رسد دستاوردهای رژیم در این دو عرصه، نتانیاهاو را برای تحقق استراتژی خود یعنی تضعیف قدرتمندترین متحد جمهوری اسلامی ایران در منطقه مصمم کرده است.

از ماهیت تحولات چنین می‌توان دریافت که تا زمانی که رژیم صهیونیستی مستظهر به پشتیبانی آمریکا باشد و تا زمانی که توان نظامی این رژیم امکان دهد، حملات به حزب‌الله لبنان را ادامه خواهد داد. از سوی دیگر آمریکا نیز تا زمانی که بتواند با حضور نظامی خود در منطقه مانع از ورود سایر کنشگران به‌ویژه ایران به جنگ شود، همچنان به حمایت‌های خود از رژیم صهیونیستی ادامه خواهد داد. در مقایسه با غزه، آمریکا به سبب تحمل شکست‌ها و تلفات سنگین از نیروهای حزب‌الله در دهه‌های گذشته، با حمله به این گروه در لبنان همدلی بیشتری نشان می‌دهد. تضعیف حزب‌الله لبنان و سلب توان کنشگری این گروه در داخل لبنان و منطقه، دستاوردی بزرگ برای آمریکا است. فراموش نکنیم که از نظرگاه تحلیل‌گرانی چون توماس فریدمن و مهم‌تر از آن ویلیام برنز، رئیس سازمان سیا و طراح اصلی سیاست خارجی دولت بایدن، حزب‌الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران مهمترین موانع پیشبرد استراتژی کلان آمریکا در منطقه هستند و تضعیف توان نظامی این دو می‌تواند

ماهیت واکنش نظامی حزب‌الله و از سوی دیگر با بهره‌گیری از توان اطلاعاتی و جاسوسی خود، در یک استراتژی از پیش طراحی‌شده ضمن هدف قرار دادن رهبران حزب‌الله و زیرساخت‌های نظامی این گروه، زمینه را برای ورود نظامی به جنوب لبنان فراهم کرد. شاید بتوان چنین دریافت که رهبران حزب‌الله همچنان با تصور عملیات نظامی اسرائیل در سال ۲۰۰۶ بر این باور بودند که این‌بار نیز رژیم صهیونیستی تنها به حملاتی محدود اکتفاء خواهد کرد و در صورت تکرار حملات زمینی، می‌توان ارتش این رژیم را به مانند سال ۲۰۰۶ شکست داد. چنین می‌نماید که رهبران حزب‌الله، امکان انجام حملاتی گسترده‌تر و متفاوت از سال ۲۰۰۶ را از دور از ذهن تصویری کردند.

با وجود این، قدری تأمل در تحولات داخلی رژیم صهیونیستی، تعمق در برداشت رهبران این رژیم از پیامدهای امنیتی و روان‌شناختی طوفان الاقصی و همچنین ماهیت تحولات منطقه خاورمیانه می‌توانست تفاوت‌های سال ۲۰۲۴ با سال ۲۰۰۶ را به خوبی آشکار کند. در سال ۲۰۰۶ ایهود اولمرت نخست‌وزیر اسرائیل بود که در مقایسه با بنیامین نتانیاهاو فردی میان‌رو و محافظه‌کار محسوب می‌شد. اولمرت همواره منتقد سیاست‌های نتانیاهاو بوده و بر این باور است که نتانیاهاو درباره تهدیدات وجودی علیه اسرائیل از جانب ایران و متحدان این کشور، بزرگنمایی می‌کند. افزون بر این در سال ۲۰۰۶ اولمرت برای انجام حملاتی گسترده علیه لبنان از حمایت آمریکا و دولت جورج بوش پسر بر خوردار نبود. آمریکا به سبب گرفتاری‌های حاصل از جنگ افغانستان و عراق، برای ورود به جنگی دیگر در منطقه، هیچ تمایل و اراده‌ای نداشت. جورج بوش، عدم تمایل خود برای حمایت از اسرائیل را به صراحت به اولمرت یادآوری کرده بود. همچنین در سال ۲۰۰۶ اسرائیل به سبب عدم

